

( عزیز- سها )

## حیله گران

تا که شیطان صفتان جا مهء تقوی بتن است  
تا که این ملت مظلوم وقبا و چین است

تا که امریکه و انگلیس و عرب در وطن است  
تا که در کشور ما فال و قرعه در سمن است

گرم با زار شما حیله گران در وطن است

همه با دالرو افغانی و پوند و کلد ار  
تا جوان این وطن بی خبر از علم و فن است

فال بین، شیخ ریا کارو، ملا در آزار  
پنج و شش منزله تعمیر نمودند قطار

گرم با زار شما حیله گران در وطن است

همچو سوغات که در عید و برات وطن است  
مردهء طفل غریب بی کفن و بی وطن است

اختلاس و رشوه و سود رواج وطن است  
دزد و جانی همگی صاحب اصلی وطن است

گرم با زار شما حیله گران در وطن است

حرف او نیست به ملت بجزاز حرف گزاف  
تا که بابای ملت جان بتن و جان بکن است

شیخ فانی که بود قاضی عدل و انصاف  
نیست مسول به ملت زانکه او هست معاف

گرم با زار شما حیله گران در وطن است

## راز شیطان

بیا بشنو مکن غفلت که ایام جوانی هست  
حدیث طالبی آموز که رسم زنده گانی  
هست

ز اسامه رسید پیغام به هر طالب جدا گانه  
بکش انسان که دوزخ نیز جای شادمانی  
هست

بتن کن خرقة نی زهد و بگو من عالم دینم  
که این یک راز شیطان، نه وحی آسمانی  
هست

زقرآن نام ببرتها تو علم و جهل را بگذار  
که این میدان نه بهر علم بهر خردوانی  
هست

اگر خواهی که پول بی شمار آید بدست تو  
غلامی کن عرب را گنج قارون جاودانی  
هست

اگر ناید خوست اعراب بیا پیرو به انگلیس شو  
که اینجا ما هروی با شراب ارغوانی  
هست

بین انگلیس و امریکا بمن هم عهدو هم پیمان  
نمیدانی؟ که این ما نور چال پهلوانی  
هست

(سها) بس کن مگو دیگر ز جور و ظلم شیا دین

که بعد از هر شب تاریک روز روشنائی هست

## زاهدی خرقه فروش

هر در که فیض علم در او نیست بسته به  
واز عالمی که فخر فروشد به مردمان  
آئین دوستی و محبت فروتنی ست  
جود و سخا و صدق و صفا هر که پیشه کرد  
و آن زاهدی که همچو خفاش شب پرنده است  
اسعد بود کسی که به صاحب دلی رسد  
دستی که جود و خیر ندارد شکسته به  
با مطربی که خوش گذران است نشسته به  
از اهل آرزو و نخوت و یغما گسسته به  
ز آن زاهدی که شیشهء تقوی شکسته به  
از وی کناره گوشه ئی تنها نشسته به  
صحبت به رازدار حقیقت خجسته به

از قیل و قال خرقه فروشان دلم گرفت

درا {سها} بروی خسیسان بسته به